

بسم الله الرحمن الرحيم

سمینار مسائل کشورهای جهان سوم

- گروه دوم
- موضوع سمینار:
- مکاتب، نظریه ها و موضوعات توسعه

✓ زمینه و گرایش عمومی نظریه های علوم اجتماعی:

گرایش عمومی در نظریه پردازی و روش شناسی علمی رایج در دوران پس از جنگ جهانی دوم، میراث نظریات مدرنیستی و پوزیتیویستی بوده است. علم جدید از عصر روشنگری بر عقل و امکان شناخت عقلی و علمی و ترقی اجتماعی تأکید کرده بود. در دوران مدرن علم و عقل به جای دین و فلسفه وسیله کشف حقیقت به شمار آمدند. همه ی بزرگان اندیشه قرن نوزدهم از آگوست کنت گرفته تا مارکس، دورکهایم، اسپنسر و وبر بر جهت مندی تاریخ تأکید داشتند. هریک از آنها مفاهیم بنیادینی چون علم، وجه تولید، همبستگی و... را برای فهم تاریخ عرضه میکرد.

✓ الگوهای کلی نظریه های توسعه سیاسی:

در دوره ی پس از جنگ جهانی دوم علمای سیاسی در پی عرضه نظریه ای تجربی درباره چگونگی پیدایش فرآیند توسعه سیاسی برآمدند و به عبارت دیگر توسعه سیاسی در متن عوامل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی صورت میگیرد و طبعاً نمیتواند در خلأ تحقق یابد.

الگوهای توسعه سیاسی:

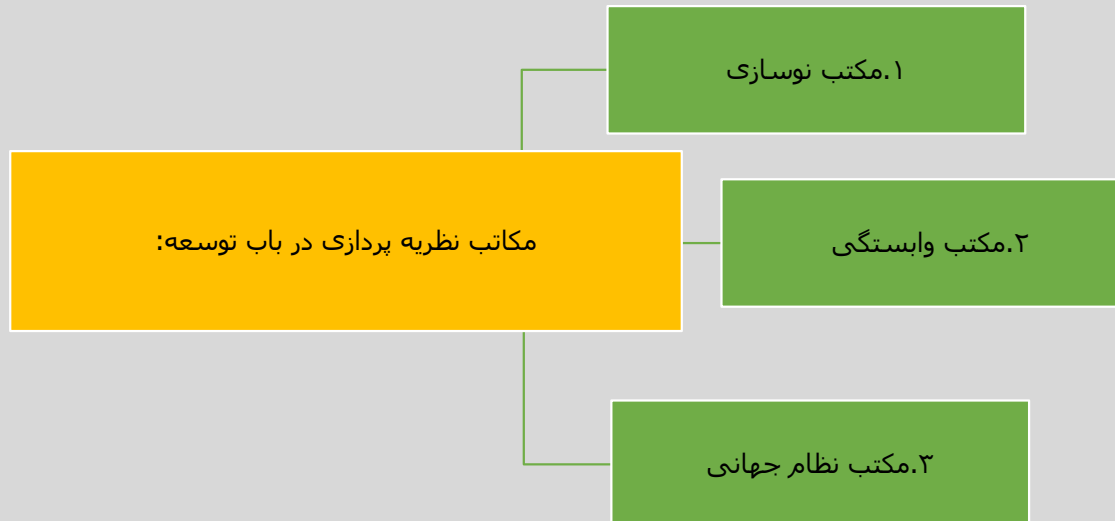
الگوی علیّی

الگوی همبستگی

الگوی همبستگی: این الگو مبتنی بر جامعه شناسی کارکردی است. در این الگو اجزای نظام اجتماعی متقابلاً مرتبط به یکدیگر تلقی میشوند. به عبارت دیگر بخش های مختلف جامعه نمیتوانند از لحاظ سطح توسعه فاصله زیادی با یکدیگر داشته باشند و نوعی ملازمت بین توسعه نیافتگی سیاسی و توسعه نیافتگی در سایر زمینه ها و یا توسعه سیاسی و توسعه در سایر زمینه ها قائل هستند.

الگوی علیّی: این الگو سعی دارد به کشف رابطه ی علت و معلولی بین توسعه در حوزه های گوناگون زندگی اجتماعی بپردازد. در این نگرش توسعه سیاسی تابعی از گسترش شهرنشینی، اقتصاد شهری و یا عوامل دیگر تلقی میشود. این دید گاه بر تابعیت مطلق توسعه سیاسی و اولویت تعیین کننده عوامل اقتصادی و اجتماعی در این فرآیند تأکید میکند.

در این برداشت به نقش عوامل سیاسی، ساخت قدرت، دولت و دیوان سالاری توجهی نشده است. برخی محققان همچون برینگتون مور معتقدند که توسعه نظام سیاسی از نظر تاریخی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی اولویت داشته است. توسعه ی سیاسی در کشورهایی موفق شده که دارای الگوی تحول سیاسی زودرس در ساخت قدرت و تحول اقتصادی ـ اجتماعی دیررس بوده اند.



۱. مکتب نوسازی:

الف) زمینه های پیدایش:

این مکتب محصول سه رویداد مهم در دوره بعد از جنگ جهانی دوم است: اولین رویداد ظهور آمریکا بعنوان یک ابر قدرت بود. رویداد دوم گسترش جنبش جهانی کمونیسم بود و رویداد سوم تجزیه امپراطوری های استعماری اروپایی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بود که باعث ظهور تعداد زیادی از کشور ـ ملت های جدید در جهان سوم گردید.

ب) بنیاد های نظری:

این مکتب از لحاظ بنیادهای نظری مرهون نظریه تکامل گرایی و کارکرد گرایی بود. از دیدگاه نظریه تکامل گرایی تغییرات اجتماعی لزوماً بصورت تک خطی به سمت پیشرفت در حرکت اند و این پیشرفت واجد خصیصه تمدن و انسانیت است. آهنگ تغییرات اجتماعی آرام و تدریجی است و نه انقلابی.

از دیدگاه نظریه کارکرد گرایی کل جامعه همانند سیستمی است مرکب از بخش های مختلف که هر یک کارویژه های خاص خود را دارد و بین اجزای سیستم روابط مکمل و متقابل وجود دارد.

ج) ویژگی های مطالعات اولیه:

۱. از نظر روش شناسی بحث ها در سطح کلی و انتزاعی مطرح شدند.
۲. واحد تحلیل آنها دولت سرزمینی ملی بود و میتوان گفت نظریات نوسازی اساساً نظریات دگرگونی کشورهای ملی به شمار میروند.
۳. نوسازی فرآیندی مرحله به مرحله است که از یک مرحله ساده و ابتدایی آغاز میشود و در یک مرحله پیشرفته و مدرن ختم میشود.
۴. نوسازی فرآیندی متجانس آفرین است که میل به همگرایی در بین جوامع را افزایش میدهد.
۵. نوسازی یک فرآیند غربی شدن است.
۶. نوسازی یک فرآیند غیر قابل بازگشت است و همین که این جریان شروع شود قابل متوقف شدن نیست.
۷. نوسازی یک فرآیند رو به پیشرفت است.
۸. نوسازی یک تغییر تدریجی و تکاملی است نه یک تحول انقلابی.
۹. نوسازی یک فرآیند نظام یافته است که یک کل به هم پیوسته را تشکیل داده که همه ی جنبه های توسعه بصورت دسته جمعی ظاهر میشوند نه بصورت انفرادی.
۱۰. نوسازی فرآیندی انتقالی است به این معنی که ارزش های سنتی باید کنار گذاشته شود و ارزشهای مدرن جایگزین آنها شود.
۱۱. نوسازی فرآیندی درونزا است.

(د) انتقادات وارده به مطالعات اولیه:

۱. منتقدان با توسعه ی تک خطی و اینکه لزوماً کشورهای جهان سوم همان مسیر غرب را طی کنند مخالف اند.
۲. از نظر منتقدان بین سنت و تجدد ناسازگاری وجود ندارد.
۳. به دلیل انتزاعی بودن بحث های این مکتب به دشواری میتوان دریافت که در مورد چه کشوری و چه دوره تاریخی بحث میکنند.
۴. از نظر منتقدان، این مکتب از عامل مهم سلطه خارجی غفلت کرده است.

(ه) ویژگی های مطالعات متأخر:

۱. در مطالعات جدید نوسازی سنت و تجدد به عنوان مفاهیمی متباین در نظر گرفته نمیشوند
۲. از نظر روش تحقیق به جای ارائه بحث های انتزاعی توجه خود را به موارد مشخص تر معطوف نمودند.
۳. از ارائه تحلیل های تک متغییری اجتناب می ورزند و معتقدند هریک از کشورهای جهان سوم میتوانند مسیر خاص خود را به سمت توسعه دنبال کنند.
۴. نسبت به گذشته نقش مهمتری برای عوامل خارجی در نظر میگیرند.
۵. اهمیت بیشتری برای پدیده ستیز اجتماعی قائل میشوند.

۲. مکتب وابستگی:

(الف) زمینه های پیدایش:

برخلاف مکتب نوسازی که توسعه را از دید غرب مورد بررسی قرار میدهد مکتب وابستگی از دید جهان سوم به توسعه مینگرد.

این مکتب ابتدا در آمریکای لاتین و به عنوان واکنشی نسبت به شکست برنامه کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین و نیز تحت تأثیر نومارکسیسم در اوایل دهه ۱۹۶۰ مطرح شد.

ب) ویژگی های مطالعات اولیه:

۱. وابستگی را به عنوان فرآیندی بسیار عام در نظر میگیرند که در مورد همه ی کشورهای جهان سوم صادق است.
۲. وابستگی به عنوان یک وضعیت «خارجی» قلمداد میشود یعنی وضعیتی که از بیرون تحمیل شده.
۳. وابستگی بعنوان یک وضعیت اقتصادی تلقی میشود که نتیجه جریان انتقال مازاد اقتصادی از کشورهای جهان سوم به کشورهای سرمایه داری غرب است.
۴. وابستگی به عنوان بخشی از قطب بندی مناطق در اقتصاد جهانی قلمداد میشود.
۵. وابستگی و توسعه دو فرآیند ناسازگارند و توسعه در پیرامون غیر ممکن است.
۶. این مکتب بر این اعتقاد است که ارتباط بیشتر با کشورهای مرکز به زیان کشورهای پیرامون تمام میشود.
۷. به دلیل بعید بودن قطع رابطه نخبگان سنتی کشورهای پیرامون با کشورهای مرکز یک انقلاب سوسیالیستی برای عبور از سد این نخبگان سنتی حاکم لازم است.

ج) انتقادات وارده به مطالعات اولیه:

۱. این مکتب با تنزل به درجه لفاظی و شعار گویی منزلت علمی خود را از دست داده است.
۲. انتقاد دیگر میزان بالای انتزاعی بودن آن است.
۳. با تأکید زیاد بر عوامل خارجی نقش نیروهای محرکه داخلی مثل مبارزات طبقاتی و دولت نادیده گرفته میشود.
۴. به اعتقاد منتقدان این مکتب، وابستگی و توسعه میتوانند با یکدیگر همزیستی نمایند و وابستگی لزوماً به توسعه نیافتگی منجر نمیشود.
۵. این مکتب در تشریح دقیق آنچه دولت های تازه استقلال یافته باید برای رسیدن به اهداف ملی خود انجام دهند ناتوان است.

د) ویژگی های مطالعات متأخر:

۱. توجه بیشتری نسبت به وضعیت های خاص وابستگی در طول تاریخ مبذول گردیده است.
۲. دولت در جهان سوم دیگر به عنوان یک دولت وابسته به بیگانه در نظر گرفته نمیشود.
۳. همزیستی بین وابستگی و توسعه را امکان پذیر میدانند.

۳. مکتب نظام جهانی:

الف) زمینه های پیدایش:

۱. شرق آسیا که هنوز آهنگ رشد خود را حفظ کرده بود.
۲. بحرانی که در بین دولت های سوسیالیستی پدید آمده بود.
۳. نظام سرمایه داری آمریکا دچار بحران شده بود.

ب) ویژگی های مطالعات اولیه:

۱. واحد تحلیل در این دیدگاه نظام جهانی است.
۲. پژوهشگران این دیدگاه نمیتوانند برای پاسخ به سوالات جهان شمول خود به داده های جاری که در سطح ملی گردآوری شده اکتفا کنند.

ج) انتقادات وارده به مطالعات اولیه:

۱. تأکید زیاد بر بر مفهوم نظام جهانی باعث انعطاف ناپذیری و شیء گونگی پدیده نظام جهانی شده که گویی هیچ تأثیری از محیط نمیگیرد و تنها تأثیر گذار است
۲. به دلیل شیء گونگی و غایت نگری، از مطالعه موارد خاص توسعه که در طول تاریخ به وقوع پیوسته غافل مانده اند.
۳. به جای تأکید بر طبقات و ستیز های طبقاتی در عرصه تولید اهمیت بیشتری برای روابط مبادله و توزیع منافع در بازار قائل شده اند.

با تشکر از استاد گرامی دکتر دبیری مهر

تهیه کنندگان:

منیره کیخا
وحیده سراوانی
سمیه آذر خرداد
صفیه ثوری